



# ردپای فرهنگ

بخش نخست

## درآمد انسان‌شناسی به مستندسازی

دکتر نعمت‌اله فاضلی  
عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبائی

انبساط خاطر من شده است. این تجربه‌ای است که همه ما داریم. به خاطر می‌آورم که در سال ۲۰۰۱، وقتی از «کلیسای سنت‌پل» در لندن دیدن می‌کردم، از پله‌های بسیار طولانی و باریک این کلیسا به‌سوی گنبد آن بالا رفتم. هنگامی که به آخرین پله رسیدم، روبه‌روی دیوار نوشته شده بود: «قاسم، نجف‌آباد ایران ۱۹۸۱». با خود اندیشیدم که این ایرانی در ذهنش چه بوده که خود را موظف دیده است، نام نجف‌آباد، ایران و خودش را بر گنبد سنت‌پل حک کند!

همه ما از این‌گونه تجربه‌ها داشته‌ایم. آیا همه این‌ها بخشی از تلاشی عمومی و همگانی برای مستندسازی نیست؟ گویی یکی از نیازهای ما این است که نشانه‌ای از خود و فرهنگمان در هر جا که هستیم بگذاریم. این میل به دیده شدن، بخش مهمی از تمام فرهنگ‌هاست. در اینجا می‌خواهم درباره این میل و ابعاد گوناگون آن صحبت کنم.

مستندسازی در این نوشته به مثابه یکی از «راهبردهای فرهنگ» مورد نظر است. همه فرهنگ‌های موجود به شکل‌های گوناگون تلاش کرده‌اند تجربه‌های انسانی را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌گونه‌ای ثبت، ضبط و نگهداری کنند و به آیندگان و دیگران

برای فهم معنای مستندسازی فرهنگی، این پدیده در پرتو بینش تاریخی و به کمک «بافت‌مندسازی اجتماعی»<sup>۱</sup>، بررسی شده و تحولات و ابعاد آن در بستر تاریخ تشریح شده است. امیدواریم این مطلب بتواند چشم‌اندازی تازه برای مستندسازان و علاقه‌مندان به این موضوع فراهم کند.

این مطلب براساس گفت‌وگو با دکتر فاضلی فراهم آمده است و به دلیل روح گفت‌وگویی آن، زبانی ساده و قابل فهم دارد. با وجود این، باید دقت داشت که بحث ارائه شده جنبه علمی و دانشگاهی دارد. امیدواریم گامی کوچک برای توسعه این نوع مباحث برداشته باشیم. این مقاله تنها درآمدی بر ارائه دیدگاه انسان‌شناسانه به مستندسازی فرهنگی است و نکات بیان شده در اینجا تماماً در حد اشاره‌اند و برای توضیح و تحلیل دقیق آن‌ها باید مباحث را بسط داد. از این‌رو، کاستی‌های متن ناشی از محدودیت‌های طبیعی است که در نگارش مقاله وجود دارد.

### مقدمه

بارها شده است که از تماشای حکاکی روی درختان و در و دیوارها ناراحت شده‌ام، گاهی هم مطلب آن‌ها موجب خنده و

بخشی از این شماره به مستندسازی در عالم دیجیتال اختصاص دارد. به این مناسبت از آقای دکتر نعمت‌اله فاضلی، استاد دانشگاه و متخصص انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی درخواست کردیم، درباره مستندسازی و جایگاه و مناسبات آن با فرهنگ برایمان سخن بگوید. همان‌طور که خواهیم دید، ایشان رویکردی متفاوت از فهم‌های جاری مستندسازی ارائه می‌دهد. در این رویکرد، مستندسازی چیزی نیست که تنها مستندسازان حرفه‌ای در سینما و تلویزیون آن را انجام می‌دهند، بلکه فعالیتی فراگیر و بخشی از فرهنگ انسانی است.

فاضلی به کمک مفاهیم مستندسازی فرهنگی، فرهنگ مستندسازی و کارکردهای فرهنگی مستندسازی، مناسبات میان مستندسازی و فرهنگ را تشریح کرده و رویکرد انسان‌شناسانه‌اش را به موضوع مستندسازی شکل داده است. همچنین، ایشان به جای «مستندسازی» سخن گفته است. مستندسازی همان فعالیت حرفه‌ای است که مستندسازان انجام می‌دهند، اما مستندسازی فرهنگی یکی از مؤلفه‌های فرهنگ است. در اینجا،



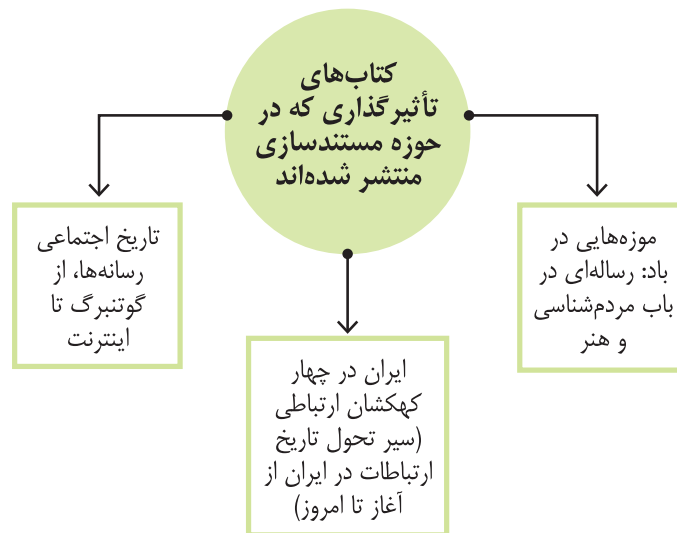
به یک معنا چیزی جز تاریخ مستندسازی فرهنگی آن‌ها نیست. ما از طریق پی‌جویی و کاوش راهبردها، فناوری‌ها و دانش‌های مستندسازی و انتقال فرهنگ، می‌توانیم مسیر توسعه و تکامل را در این جوامع شناسایی کنیم. اگر از منظر انسان‌شناسانه به مستندسازی فرهنگی نگاه کنیم، نه تنها داستان فناوری‌های مستندسازی را می‌توانیم شناسایی و کشف کنیم، بلکه بخش وسیعی از تمام سازوکارهای فرهنگ و مؤلفه‌های آن در پرتو ایده مستندسازی فرهنگی مجدداً قابل تفسیر خواهند بود. برای مثال، ما می‌توانیم همان‌طور که در ادامه اشاره خواهیم کرد، تمام آیین‌ها، رسوم و نظام‌های فرهنگی مانند هنرها و علوم، ادیان و دیگر صورت‌های فرهنگی و سازمان‌یافته مانند زبان و نوشتار را تمهیدات فرهنگی برای مستندسازی و انتقال فرهنگ بدانیم. می‌دانم که برای تشریح و تبیین دقیق این بحث نیازمند بررسی‌های گسترده‌تر تجربی و نظری هستیم، اما به هر حال، برای ارائه یک دیدگاه و طرح مسئله لازم است باید از جایی شروع کرد. دیدگاه انسان‌شناسی برای مستندسازی فرهنگی مستلزم مطالعه تاریخی مستندسازی است.

ما برای دست یافتن به فهم فرهنگی عمیق از معنا، ابعاد، ویژگی‌ها، فرایندها و تحولات مستندسازی باید مستندسازی را در چشم‌اندازی تاریخی بکاوییم. منظورم از چشم‌انداز تاریخی در اینجا لزوماً این نیست که تاریخ تقویمی دقیق پیدایش فناوری‌های مستندسازی را تعیین کنیم - اگر چه این کاوش‌ها و کشفیات مفید هستند - بلکه منظور از چشم‌انداز تاریخی این است که ببینیم چگونه با ظهور و تغییر فناوری‌های جدید مستندسازی، راهبردهای مستندسازی و تغییر در روش‌ها و معانی مستندسازی، بافت و بستر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع دگرگون شده‌اند، یا

انتقال دهند. این امر در طول تاریخ در نتیجه تحول فناوری‌ها دائماً توسعه یافته، دگرگون شده و هر روز بر اهمیت آن افزوده شده است. موضوع مستندسازی فرهنگی را می‌توان به نوعی بنیان اصلی همه فرهنگ‌ها یا فرهنگ به‌طور کلی در نظر گرفت. واقعیت آن است که انسان تجربه‌هایش را ثبت و نگهداری می‌کند و انتقال می‌دهد، اما هیچ یک از موجودات زنده نمی‌توانند این کار را به شیوه معنادار انجام دهند. حیوانات به‌جای مستندسازی از میل و غریزه خود پیروی می‌کنند. غرایز حیوانی البته نوعی تداوم و ثبات حیوانی را به‌وجود می‌آورند، اما این پیروی از غریزه تابع اراده، آگاهی و فعالیت خودآگاهانه حیوانات نیست. در عین حال امیال و غرایز حیوانی فاقد معنا هستند، درحالی که فعالیت مستندسازی انسانی فعالیتی کم‌وبیش آگاهانه، سازمان‌یافته، تابع اراده‌های فردی و جمعی، معنادار و قاعده‌مند است. از این دیدگاه به موضوع ثبت، ذخیره‌سازی و انتقال فرهنگ یا همان تجربه‌های جمعی انسان‌ها نگاه می‌کنیم. باید اذعان کنم که مستندسازی فعالیتی به مراتب مهم‌تر و گسترده‌تر از آن است که فقط به یکی از شیوه‌های مستندسازی، مانند گرفتن فیلم و عکس بسنده کنیم. این رویکرد را رویکرد انسان‌شناسانه مستندسازی می‌نامیم.

**مستندسازی فعالیتی به مراتب مهم‌تر و گسترده‌تر از آن است که فقط به یکی از شیوه‌های مستندسازی، مانند گرفتن فیلم و عکس بسنده کنیم. این رویکرد را رویکرد انسان‌شناسانه مستندسازی می‌نامیم**

مستندسازی از این دیدگاه برای همه جوامع، به‌ویژه جوامع باستانی که تاریخ طولانی دارند، مثل ایران، مصر، هند، یونان و جوامع کهن‌سال دیگر، اهمیت ویژه‌ای دارد. داستان جوامع انسانی یعنی تاریخ فرهنگ یا تاریخ فرهنگی این جوامع،





برعکس، با ایجاد دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، فرایندها و معانی مستندسازی نیز تغییر کرده‌اند. برای مثال، چگونه با پیدایش نخستین شیوه‌های تولید و مصرف، یعنی دوره شکارگری و گردآوری خوراک در ده‌هزار سال پیش، و سپس دگرگونی این شیوه و پیدایش زندگی از نوع کشاورزی و انقلاب دام‌پروری (اهلی کردن و پرورش حیوانات)، و بعد از آن با ظهور انقلاب صنعتی و اکنون با ظهور انقلاب پسا صنعتی (ظهور عصر اطلاعات)، روش‌ها، فنون، فرایندها و معانی مستندسازی فرهنگی دگرگون شده‌اند. یک نمونه از این نوع مطالعات را ما اکنون در اختیار داریم. کتاب «تاریخ اجتماعی رسانه‌ها، از گوتنبرگ تا اینترنت» (۱۳۹۰)، نوشته دو مورخ برجسته بریتانیایی ایسا بریگز و پیتر برک (ترجمه حسین نمک‌دوست تهرانی)، نمونه‌ای زیبا و خواندنی از تاریخ مطالعات انسان‌شناسانه مستندسازی فرهنگی است.

تاریخ اجتماعی رسانه را می‌توان تاریخ اجتماعی ثبت، ذخیره‌سازی و انتقال تجربه‌ها و اطلاعات دانست. کتاب سه جلدی و حجیم «ایران در چهار کهکشان ارتباطی: سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران، از آغاز تا امروز» (۱۳۸۴) اثر مهدی محسنیان‌راد، تلاش کرده است این رویکرد انسان‌شناسانه مستندسازی فرهنگی - را هنگام شناسایی و بازآفرینی تاریخ ارتباطات در ایران دنبال کند. به هر حال ما برای فهم فرهنگ در هر جامعه‌ای از جمله جامعه‌ای باستانی چون ایران، نیازمند توجه جدی به سازوکارهای مستندسازی هستیم. چنین مطالعاتی به ما کمک می‌کنند ابعاد مختلف فرهنگ را بشناسیم. به علاوه، چشم‌اندازهای تازه‌ای از علم، دین، هنرها، فناوری، مناسبات اجتماعی، تحولات تاریخی و به طور کلی فرهنگ در اختیار ما قرار می‌دهند. کتاب «موزه‌هایی در یاد: رساله‌ای در

اگر انسان‌هایی که هفت‌هزار سال پیش، در بیابان‌ها و جنگل‌ها، در محیط‌های بسیار کوچک دهکده‌هایی که کمتر از چند صد نفر جمعیت داشتند، و به آن‌ها شهر می‌گفتند، زندگی می‌کردند، دوربین، تلفن همراه و اینترنت داشتند و می‌توانستند زندگی روزمره خود را ثبت و ذخیره کنند و در اختیار ما قرار دهند، تصور ما از زندگی، تاریخ، فرهنگ یا به طور کلی انسان کاملاً دگرگون می‌شد

باب مردم‌شناسی هنر» (۱۳۷۷) اثر مرتضی فرهادی، کتاب تأثیرگذار دیگری در این حوزه به زبان فارسی است. فرهادی در این کتاب مجموعه‌ای از سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای ایران را از سراسر کشور شناسایی و معرفی کرده است. نوشتن روی صخره‌ها و حکاکی نقوش روی سنگ‌ها، یکی از نخستین فناوری‌های مستندسازی بوده است. نویسنده در این شاهکار عظیم، تاریخ مستندسازی فرهنگی ایران را تا ۳۰ هزار سال پیش به عقب می‌برد. این مطالعه عظیم را می‌توان سرآغاز مطالعات

انسان‌شناختی مستندسازی فرهنگی در ایران دانست.

در مطالعاتی که برای نمونه برخی از آن‌ها را معرفی کردم، رویکرد انسان‌شناسانه، آن‌گونه که منظور من در این مقاله است، برای تحلیل ارتباطات و هنرها به کار رفته است. ما برای شناسایی روند تاریخی مستندسازی باید به این نوع تحقیقات مراجعه کنیم. به گمانم قبل از هر چیز باید رویکرد انسان‌شناسانه برای شناخت مستندسازی را توضیح دهم. هر رویکردی با طرح پرسش‌های اساسی‌اش از رویکردهای دیگر متمایز می‌شود. می‌توان گفت رویکرد انسان‌شناسانه به مستندسازی، پرسش‌های اساسی زیر را در کانون توجه قرار می‌دهد.

۱. مستندسازی به‌عنوان «راهبرد فرهنگی» برای ثبت، ذخیره‌سازی و انتقال تجربه‌های انسانی و فرهنگ چیست و از نظر فرهنگ چه ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و ابعادی دارد؟
۲. فرهنگ‌ها و جوامع مختلف از چه روش‌ها یا نظام‌های فرهنگی مستندسازی استفاده می‌کنند؟ به بیان دقیق‌تر، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی



تاریخ که زندگی می‌کرده است دسترسی داریم. آیا می‌دانید این امکان شگفت فرهنگی حاصل چه چیزی است؟ حاصل ثبت و ذخیره‌سازی فرهنگ، این نه تنها محصول تلاش بی‌وقفه کسانی است که با دوربین‌ها و گزارش‌های روزمره‌شان به صورت حرفه‌ای ما را از جهان آگاه می‌سازند، بلکه مرهون مردم عادی است که تصمیم گرفته‌اند مراسم تولد، ازدواج، کفن و دفن و آیین‌های شگفت جادوگری یا آیین‌های مذهبی، اعتقادات، اقتصاد، تجربه‌های زندگی روزمره، کارهایی مانند خرید کردن یا حادثه‌های عجیب و غریب زندگی‌شان را به کمک دوربین‌های تلفن همراه یا دوربین‌های ارزان عکاسی و فیلم‌برداری به تصویر بکشند و از طریق اینترنت در اختیار همگان قرار دهند.

اگر انسان‌هایی که هفت‌هزار سال پیش، در بیابان‌ها و جنگل‌ها، در محیط‌های بسیار کوچک دهکده‌هایی که کمتر از چند صد نفر جمعیت داشتند و به آن‌ها شهر می‌گفتند، زندگی می‌کردند، دوربین، تلفن همراه و اینترنت داشتند و می‌توانستند زندگی روزمره خود را ثبت و ذخیره کنند و در اختیار ما قرار دهند، تصور ما از زندگی، تاریخ، فرهنگ یا به‌طور کلی انسان کاملاً دگرگون می‌شد. اگر از هفت‌هزار سال یا هفتاد هزار سال پیش تا به امروز فناوری‌های مستندساز وجود داشتند و ما می‌توانستیم ردپای انسان را در تمام لحظه‌های تاریخ و در تمام نقاط جغرافیا ببینیم، قضاوت ما درباره اینکه انسان چیست یا کیست، کاملاً دگرگون می‌شد.

### تحول مستندسازی در طی زمان

فناوری‌های مستندساز البته پدیده‌های تازه‌ای نیستند. از همان ابتدای تاریخ، انسان‌ها با ثبت نشانه‌ها و خلق نمادها روی صخره‌ها و دیوارها چیزهایی از خودشان برای ما به یادگار گذاشته‌اند. ما ایرانیان حداقل این اقبال بلند را داشته‌ایم که از زمان‌های

میان جوامع مختلف از نظر مستندسازی وجود دارد؟ برای مثال، آیا فرهنگ‌های مختلف با توجه به نظام ارزش‌ها و جهان‌بینی خاصشان، روی اشکال معین و متفاوتی از مستندسازی تأکید خاصی دارند؟

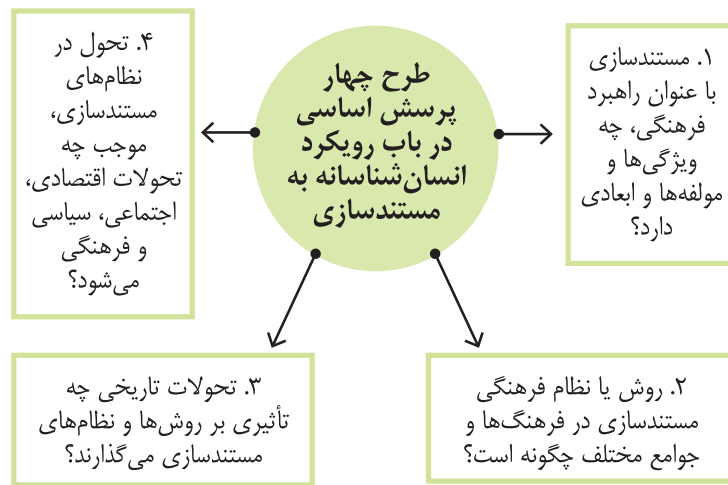
۳. تحولات تاریخی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چه تأثیری بر روش‌ها و نظام‌های مستندسازی می‌گذارند؟  
۴. ظهور تحول در فناوری‌ها و نظام‌های مستندسازی موجب چه تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود؟

من با توجه به این رویکرد، به اختصار برخی نکات را که گمان می‌کنم در زمینه مستندسازی فرهنگی اهمیت دارند، بیان می‌کنم.

### مردمان عادی: مستندسازان جهان مدرن

یکی از پدیده‌های شگفت و نو در جهان فرهنگی امروز «بایگانی مجازی» و ذخیره‌سازی تجربه‌های زندگی روزمره انسان‌ها در هر گوشه‌ای از جهان است. ما ساکنان کره زمین برای اولین بار در تاریخ فرهنگ جهان، به دورترین

نقطه‌های مکانی و زمانی جهان دسترسی داریم. در هر لحظه می‌توانیم تصاویر، آثار و نشانه‌هایی از فرهنگ انسان‌هایی که چند هزار سال پیش در بین‌النهرین زندگی می‌کردند یا آن‌ها که در کوه‌های آلپ می‌زیسته‌اند، در اختیار داشته باشیم. مارگارت مید، کتاب خواندنی و ماندگار خود با عنوان «فرهنگ و تعهد: مطالعه‌ای در زمینه شکاف نسل‌ها» (۱۳۸۵) را با این بحث آغاز می‌کند که ما برای اولین بار به تمام انواع و شیوه‌های زندگی انسان در هر نقطه‌ای از جغرافیا و در هر زمانی از





بسیار کهن، بیاموزیم که بخش کوچکی از تجربه‌های زندگی را روی سنگ‌ها و صخره‌ها ثبت کنیم. سنگ‌نگارهای باقی مانده از دوران هخامنشیان بخشی از این میراث بزرگ است.

علاوه بر این، اشیای هنری، اشکال گوناگون کتابت و بسیاری از آیین‌ها و رسم‌ها، خود شکل‌هایی از ثبت و «مستندسازی تجربه‌های فرهنگی» برای انسان بوده‌اند. ما اکنون می‌توانیم از روی کتاب *پندنامه اردشیر بابکان*، *کارنامه اردشیر بابکان* یا از روی سنگ‌نوشته‌های به‌جای مانده از دوران باستان، حدس‌ها و گمان‌هایی درباره زندگی درباریان، وضعیت زنان و کودکان، شیوه حکومت و نظام سیاسی یا نحوه اداره جامعه، شیوه معامله یا مبادلات اقتصادی یا راه‌های مبادله پیام و ارتباط و تعامل میان انسان‌ها، شیوه‌های همسرگزینی و ازدواج، زندگی خانوادگی و بسیاری از نکات ریز و درشت دیگر زندگی انسان بزنیم. معنای دیگر این سخن آن است که تمام آیین‌ها، رسوم، سنگ‌نوشته‌ها، ادبیات، شعر، فولکلور و فرهنگ عامه، در گذشته راهی برای ثبت و ذخیره‌سازی تجربه‌های فرهنگی بوده‌اند.

به مرور رسانه‌های جدید و پیشرفته‌تری برای ذخیره‌سازی و ثبت تجربه‌های انسانی و اجتماعی به‌وجود آمدند. به‌طور کلی، زبان، خود از نخستین و مهم‌ترین رسانه‌های مستندسازی تجربه‌های انسانی است. ما نه‌تنها از طریق واژگان و لغاتی که در زبان به‌کار می‌بریم بلکه حتی از طریق دستور زبان یا نحو می‌توانیم تجربه‌های جمعی تاریخی، قومی، ملی یا به‌طور کلی گروهی را ثبت و ذخیره کنیم.

علاوه بر زبان، دین نیز یکی از رسانه‌های بزرگ ذخیره‌سازی و ثبت تجربه‌های معنایی و فرهنگ ملت‌هاست. ادیان، اعم از الهی و غیرالهی، به شکل‌های مختلفی تجربه‌های جمعی تاریخی انسان‌ها را به‌صورت مجموعه‌ای

### گذشته همان چیزی است که به‌وسیله دوربین عکاسی یک نوجوان ثبت می‌شود و به نسل‌های بعد انتقال می‌یابد

از آیین‌ها و رسوم مذهبی در چارچوب قواعد اخلاقی، گزاره‌های اعتقادی، احکام و شریعت ثبت، ذخیره و مستند می‌سازند. ادیان به‌طور کلی از مهم‌ترین رسانه‌های ذخیره‌سازی تجربه‌های عاطفی، ارزشی، معنایی و جمعی انسان‌ها هستند.

در طول تاریخ، هنرها و ادبیات هر کدام رسانه‌ای برای ثبت و ذخیره‌سازی تجربه‌های عاطفی، شناختی، و رفتارهای انسان‌ها بوده‌اند. نیازی به ارائه مثال‌ها و شواهد فراوان نیست. همه ما مردم ایران شعر را دوست داریم و کمابیش با آن سروکار داریم. ما خوب می‌دانیم که چگونه «شاهنامه» سند هویت تاریخی و بایگانی تاریخ اسطوره‌ای مردم ایران محسوب می‌شود. به‌همین ترتیب، «دیوان حافظ» نوعی ذخیره‌سازی و ثبت تجربه‌های کلان معنوی، عرفانی و عاشقانه انسان ایرانی در بستر مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاص اوست.

در زمینه مستندسازی هنری می‌توانیم از سبک‌های نقاشی، سبک‌های موسیقی و سبک‌های هنرهای نمایشی ایرانی به‌عنوان اشکال تاریخی یا قالب‌های بیانی تاریخ انسان ایرانی نام ببریم که در خدمت ثبت،

ذخیره‌سازی و انتقال تجربه‌های جمعی و فرهنگی بوده‌اند. ببینید «تعزیه» چگونه در طول تاریخ در خدمت ثبت تجربه شیعی انسان ایرانی قرار گرفت. به‌همین ترتیب می‌توانیم از اشکال گوناگون موسیقی‌های ایرانی، به‌ویژه موسیقی محلی یا قومی نام ببریم. عاشق‌قره‌های آذربایجان و دیگر نوازندگان قومی ایران در بلوچستان، خراسان، خوزستان، ترکمنستان و دیگر بخش‌های قومی ایران، مانند مازندران، و گیلان، هر کدام به‌نوعی تجربه قومیتی انسان ایرانی را در سازها و ژانرهای ایرانی خود ذخیره و ثبت کرده و به نسل‌های امروز انتقال داده‌اند. (ادامه دارد)

### پی‌نوشت‌ها

1. Social contextualization
2. Virtual archive

### منابع

۱. بریگز، ایسا و برک، پیتیر (۱۳۹۰). تاریخ اجتماعی رسانه‌ها: از گوتنبرگ تا اینترنت. ترجمه حسین نمک‌دوست تهرانی. انتشارات همشهری. تهران
۲. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۴). «ایران در چهار کهکشان ارتباطی» (سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران، از آغاز تا امروز). انتشارات سروش. تهران
۳. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. تهران
۴. مید، مارگارت (۱۳۸۵). فرهنگ و تعهد: مطالعه‌ای در زمینه شکاف نسل‌ها. ترجمه عبدالعلی دست‌غیب. نوید شیراز
۵. جیمز و بنی، جان و بایلی، گریک و گرپلو، رالف و هوپل، آدامسون (۱۳۹۰). انسان‌شناسی فرهنگی ترجمه نعمت‌الله فاضلی. انتشارات آراسته. تهران

